

آخرین نامهٔ جمال زاده

۷۶/۱۰/۱

دوست عزیز ارجمندم

فتوکیبی نامه ای که از جمال زاده آخرین بار دریافت کردم و بالای آن ۱۷ اکتبر (ظ) به خط پریشانی نوشته شده و تمبرش مورخ دوازدهم اکتبر ۱۹۹۵ است (بنا بر این ۱۷ سهوالقلم خواهد بود) خدمتان تقدیم می شود. مطلب مهمی ندارد ولی چون به خط مغشوش دوسالی پیش از مرگ اوست شاید بی ارزش نباشد. این نامه را به قلمی نوشته است که مرکبش نزدیک به خشک شدن بوده است و همین امر نامه را بیشتر مغشوش کرده است. بعضی عبارات و کلمات مشوش هم در کنارهٔ صفحهٔ دوم نامه است که به قلم رنگ دیگر است.

تا حدی که توانسته ام آن را بخوانم نقل می کنم و موارد ناخوانا را نقطه چین کرده ام:

۱۷ اکتبر (؟)

فرمان ایرج خیلی عزیزم میروم

فرمان ایرج خیلی عزیزم میروم

وصول نامه های (تاتمام مانده)

جواب نامهٔ خویت و مسرت آورد را نوشته بودم ولی نفرستاده بودم. چون آخرین آدرست را درست نمیدانستم و باکم در نزد خودم در منزل مانده و نفرستاده همانجا مانده بود تا مرا بحالت مجبوی (؟) به بیمارستان... (یک کلمه ناخوانا) و کاغذم همانجا در منزل مانده بود و آدرس جدیدت را درست یقین نداشتم داشته

باشم ولی خدا ساخت و آقای موحد عزیز به بیمارستان به دیدنم آمد و آدرس درست را من از او [گرفتم] اکنون با خوشی برایت کاغذ مینویسم و ان شاء الله برایت خواهم فرستاد و بدستت خواهد [رسید].
 من درست و حسابی ۱۰۳ ساله (و بلکه قدری ۱۰۴ ساله شده ام و نمیدانم تا کی باز... (یک کلمه ناخوانا - شاید «باقی»)) خواهم ماند. چندان... (یک کلمه ناخوانا) نیست.

هموار خواهی کرد گیتی را؟ گیتی است کی پذیرد همواری
 معلوم شد «آینده» دیگر بچاپ نمیرسد. حیف آن همه مقاله های بسیار بسیار خوب و بافی ماندنی بود. همه... (یک کلمه ناخوانا) خود ایرج عزیزمان بود. ای کاش بهترین مقاله های آن را و بهترین عکسها را بیرون میآوردی و با [نام] «گذشته آینده» بصورت کتاب خوبی بچاپ میرساندی، طالب بسیار خواهد داشت و انشاء الله با اشکال و سردردی (دو بار نوشته) مواجه نخواهی شد. گمان میکنم که اگر من ۱۰۳ ساله شدم تو هم لااقل ۸۰ ساله هستی. خدا بتو و امثال تو و کسانت و عزیزانت سلامتی و کامرانی و رضایت عطا فرماید.
 من هنوز در بیمارستان هستم و بزودی به بیمارستان دیگر خواهم رفت و دست خداست که باز تا کی زنده باشم. بهر صورت رفتنی هستم و حرفی ندارم. کیست که باقی بماند.

... تا قیامت آید زاری کن کی رفته را به زاری باز آری
 برایم کاغذ بنویس و دو پسر عزیزت را خیلی سلام برسان [ن]. قربانت جمال زاده.
 مطالب حاشیه (چند عبارت به مرکب آبی و یکی مدادی):
 - به دوست بسیار دوست داشتنی ما حضرت آقای موحد خیلی سلام دارم.
 - ایرج جان [ا] اگر خواستی برایم کاغذی بنویسی بهمان آدرس منزلتان بنویس.
 - دو پسر عزیزت را میبوسم. خداحافظ آنها باشد و خدا نگهدارشان باشد.
 - بدوست بسیار خوب و عزیزمان حضرت آقای استاد عالی مقام آقای شیخ الاسلامی خیلی سلام و ارادت مرا برسان.
 - ایرج جان بسیار عزیز و دوست داشتنی.
 - 78 Florissant, 6eme Etage, Genève [نشانی منزل جمال زاده است].

بنده محض احتیاط فتوکپی دوروی نامه را هم می فرستم که اگر خواستید در حقیقت یکی از

آخرین نوشته های او را چاپ کنید در اختیار داشته باشید.
فعلاً مجال و حال نوشتن مطلب خاصی در مورد جمال زاده ندارم. در طهران هم تقاضا
شد. درباره زریاب و دانش پژوه هم پس از سالی دستم به قلم رفت.

با اخلاص و ارادت
ایرج افشار

ایرج افشار
۱۷ آبان
 گویا ایرج افشار در سال ۱۳۰۲ در تهران متولد شد. تحصیلات او در رشته ادبیات فارسی و تاریخ است. او در سال ۱۳۲۵ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۳۲۷ به همراه دکتر سید علی شریعتی به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد. او در سال ۱۳۳۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۳۶ به همراه دکتر سید علی شریعتی به افغانستان مهاجرت کرد. او در افغانستان در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد. او در سال ۱۳۴۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۶ به همراه دکتر سید علی شریعتی به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد. او در سال ۱۳۵۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۶ به همراه دکتر سید علی شریعتی به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد. او در سال ۱۳۶۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۶۶ به همراه دکتر سید علی شریعتی به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد. او در سال ۱۳۷۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۷۶ به همراه دکتر سید علی شریعتی به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد. او در سال ۱۳۸۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۸۶ به همراه دکتر سید علی شریعتی به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد. او در سال ۱۳۹۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۹۶ به همراه دکتر سید علی شریعتی به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا در رشته تاریخ و ادبیات فارسی تدریس کرد.

آرزوی من است که در دست تو به کتب میرسد

کتاب سعید بن جبیر و کتب دیگر که در دست تو

رسیده است و در این کتابها کلمات بسیار است

فهم تو هم در این کتابها بسیار است و در

کتابها کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها کلمات

بسیار است و در این کتابها کلمات بسیار

است و در این کتابها کلمات بسیار است

و در این کتابها کلمات بسیار است و در

این کتابها کلمات بسیار است و در این

کتابها کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها کلمات

بسیار است و در این کتابها کلمات بسیار

در این کتابها کلمات بسیار است

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها

کلمات بسیار است و در این کتابها